

انگیزه‌های جنگ از دیدگاه

آمریکا، عراق و ایران

● آنچه که امروز ما می‌کنیم و آنچه تا کنون کرده‌ایم دفاع بوده است و بس و دفاع از حقوق حقه‌مان تا وقتی که دشمن تسلیم امر حق نشود، وظیفه ماست.

● ما نه چشم طمع به خاک کشورهای دیگر را داریم و نه قصد کشور گشایی لیکن وظیفه خود میدانیم که از انقلابمان دفاع کنیم.

این توطئه‌ها به میزان زیادی خنثی شد و سرانجام چهره ناشناخته این گروه‌های وابسته برای خلق کرد شناخته شد و هر روز به انزوایشان افزوده‌تر گردید و وابستگی‌شان به ابر قدرتها و خصوصاً آمریکا علنی‌تر و گسترده‌تر شد.

به موازات جریان‌ات کردستان جریان گنبد با نقاط مشترکی با آن پیش آمد و پس از آن نیز بتدریج جریان‌اتی دیگر به طراحی شیطان بزرگ در گوشه و کنار ایران شکل میگرفت. خوزستان و خودمختاری خلق عرب، خوزستان آزاد آشوبهایی به بهانه شیعہ و سنسی در سیستان و بلوچستان فعالیت گروه‌های شرق زده و غیربزرده که هر روز به بهانه‌ای غوغا و جنجال برپا میکردند کسب آزادی برای فلان، فلان، حمایت از کارگران مبارز جنوب و.....

و کار دخالت و تسوطه‌تسا بدانجا میرسد که هواپیماهای آمریکایی از روی ناوشکن‌های غول بیکر در اقیانوس هند برخاسته و ایران را مورد تجاوز علنی و نظامی خود قرار میدهند و این توطئه نه تنها همانند سایر

از همین روست که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط حکومت شاهنشاهی آمریکا تلاش گسترده و همه جانبه‌ای را برای شکستن سد مقاومت مردم قهرمان ایران آغاز کرد.

و در این تلاش‌ها همگانکانات و نیروهای خود را بکار گرفت هنوز چند صبح‌ها از پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن نگذشته بود که کردستان به آشوب کشیده میشود.

آمریکایی می‌کوشید هر وسیله ممکن از ثبات سیاسی جمهوری اسلامی جلوگیری بعمل آورد. لذا آزاد کردن کردستان به منظور تشکیل پایگاهی برای تهدید و تضعیف جمهوری اسلامی در دستور روز قرار میگرفت و گروه‌های وابسته نیز با استفاده از شرایط مناسبی که در آنجا فراهم آمده بود مردم ستمدیده کردستان را ملغمه هوسها و خودگامگیها و توطئه‌های اربابان خود ساختند گرچه در این میان صدماتی چند به مردم رنجور کردستان وارد آمد و پاسداران عزیز می‌جان خویش را از دست دادند ولی اجرای این نقشه‌های شوم دیری نپایید و به باری خداوند

دو سال از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران دو سال از مقاومت قهرمانانه مردم دلاور و سلحشور مبین اسلامی در برابر تجاوزگران میگذرد دو سال از مشوش شدن رویای تسلط سه روز مخام اندیشان و بازخوردهای صدامی بر وطن اسلامیان میگذرد دو سال از جنگی میدر که مژده خراسیها آوارگیها و خسارات مادی فراوان از همه مهمتر از دست دادن بهترین فرزندان این انقلاب را به همراه داشته است لیکن جنگ تحمیلی باعث شد تا انقلاب اسلامی رشد و تکامل بیشتری پیدا نموده و به درجات بالایی از عمیق شدن انقلاب منجر شود. حضور یکپارچه و متحد مردم در صحنه‌های جنگ در کنگ، رسانی به جبهه‌ها حاکی از تقویت روحیه استقامت و پایداری مردم مسلمان و وحدت بیشتر آنان در مقابله با دشمن کافر بود و خروش دوباره آنان بر علیه آمریکای جهانخوار باعث شد تا اقتصاد قرون بیست و سه پیش رسوا گردد. گذشته از اینها انقلاب اسلامی بخصوص در حین جنگ توانسته است چهره‌ای از یک انقلاب نو و یک روش جدید بدون تمسک به شرق و غرب را به مستضعفین جهان ارائه دهد و هر روز آن نمایش الگویی از ایستادگی و استواری ملت رنج کشیده‌ای است که تنها به اتکاء ایمان توانسته تمام شئون امپریالیستیها را در منطقه به هم آمیزد.

اینک در آستانه سومین سال از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به بررسی علل وقوع این جنگ می‌پردازیم.

انقلاب خونبار اسلامی ایران با اعتقاد عمیق به اسلام و اتکال به نیروی لایزال خداوندی جزیره ثبات و آرامش آمریکا را به جزیره انقلاب و پایگاه جدی و قوی در مبارزه با ابر قدرتها و خصوصاً آمریکای جنایتکار تبدیل کرد و سبب شد تا منافع بیشمار آمریکا از دستش خارج شود و مسئله به همین جا ختم نمیشود بویایی و جوشش ایسی انقلاب که ناشی از مکتب انسان ساز اسلام است تحولی جدید در منطقه را غیر میدهد و وحشتی عظیم بر جان کافران و سالیانه می‌بارد است که اگر نجنبند و این انقلاب را در دم نابود نکنند بزودی ثابوت خویش را بر دوش کنند.



توطئه‌های آمریکا به شکست انجامید که باعث رسوایی هر چه بیشتر آمریکا و بر ملا شدن نقشه‌های شوم آن برای نابودی انقلاب اسلامی ایران گردید که البته بررسی هر یک از اینان خود جای بحث بسیار دارد که مجالسی برای پرداختن آن در این مقاله نیست.

بعد از شکست این توطئه‌ها و روی کار آمدن دولت شهید رجایی آمریکا دریافت که دیگر جای امیدی برای به سازش کشاندن انقلاب نخواهد بود و توطئه‌های داخلی نیز به تنهایی قادر به نابودی انقلاب اسلامی نیست از همین رو به چاره‌اندیشی پرداخت تا حيله دیگری را تجربه کند لذا تدارک یک جنگ دراز مدت با یک نیروی خارجی را دید و اجرای چنین طرحی را به عراق سپرد.

آمریکا اصولاً استراتژی خود را در خاورمیانه بویژه خلیج فارس و در رابطه با جنگ تحمیلی و در ارتباط با دو محور هماهنگ می‌کند این دو محور نخست اسرائیل و سپس عربستان میباشد میتوان گفت که آغاز جنگ عراق علیه ایران خود

نتیجه هماهنگی لازم بین سیاستهای آمریکا، اسرائیل و عربستان بوده است و هر یک از این رژیمها برای دست یافتن به اهدافی با این جنگ موافق بوده‌اند آمریکا از شروع جنگ اهدافی چند را دنبال میکرد که بخشی از آنها چنین است:

جنگ فرصت خوبی برای ابرقدرتها بود تا از ثبات هر چه بیشتر جمهوری اسلامی و هم چنین از صدور انقلاب اسلامی به سایر کشورها ممانعت کنند و بدین وسیله انقلاب اسلامی را به تصور خویش به ورطه هلاکت برسانند.

۱- نابودی انقلاب اسلامی ایران .
آمریکا میدانست که چنانچه انقلاب اسلامی را به حال خود گذارد ، با توجه به پتانسیل انقلابی مردم ایران و زمینه‌های موجود در کشورهای هم جوار ایران بزودی انقلاب اسلامی در سطح منطقه گسترش پیدا نموده و کنترل آن بسیار دشوار خواهد بود و دیری نخواهد پایید که در تمام کشورهای عربی قیام اسلامی برپا شده و منافع امپریالیسم آمریکا برای همیشه از دست خواهد رفت و تنها راه برای توقف چنین امری مشغول داشتن ایران به مسائل درونی خود است تا بدینوسیله از صدور انقلاب اسلامی ممانعت بعمل آورد و در نهایت با تبدیل این جنگ به یک جنگ فرسایشی دراز مدت ایران انقلابی را به ضعف و سازش بکشاند چه آمریکا در طول سالها دراز تجربه کرده بود که بر هم زدن یک انقلاب تا زمانی که به تحکیم و بقوت خود دست نیافته و در شرف تکوین و تحول تشبیهت خویش است بسیار آسانتر و امکان پذیرتر است.
ورق بزنید

شدت یافتن توطئه‌های شیطان بزرگ در هنگام تشکیل مجلس خبرگان ، رفواندوم قانون اساسی و مواردی از این قبیل که تثبیت هر چه بیشتر نظام را در پی داشت گواهی بر این مدعاست که البته در این میان گروهها نیز در اجرای این طرحها از هیچ کمکی مضایقه نکردند .

جنگ فرصت خوبی برای بر قدرتها بود تا از ثبات هر چه بیشتر جمهوری اسلامی و هم چنین از صدور انقلاب به سایر کشورها مانعت کنند و بدینوسیله انقلاب اسلامی را به صورت خوبیش به ورطه هلاکت برسانند .

۲- تسریع چرخش رژیم بغداد به جانب عرب و تضعیف قدرت شوروی در آن کشور با برکناری جناح البکر و روی کار آمدن صدام تندروی جهان سیاست شاهد یک چرخش ملایم رژیم عراق به جانب غرب بود . و تقریباً از سال ۱۹۶۷ تغییرات عمیقی در سیاست رژیم عراق در ظهور پدیده آمد لیکن با این همه به علت وجود عناصر مذهبی طرفدار شرق در حزب بعث و وجود عناصر مذهبی مارکسیست در ارتش عراق به آمریکا اجازه داده نمیشد تا رژیم کنونی حاکم را به عنوان زاندارمی دیگر در منطقه برگزینند . ایجاد جنگی بین ایران و عراق برای آمریکا این سه هدف را در ضمن حمایت بیدریغ آمریکا و روسها از صدام زمینه گرایش به غرب را هر چه بیشتر فراهم کرده و با تسلیم نظامی رژیم عراق وابستگی ارتش رژیم بعث به شوروی کمتر و سدی بین ترسیند پایگاههای شوروی را بندریج در عراق ضعیف و خود جانشین آن شود و با تبدیل عراق به یک رژیم دست نشانده آمریکایی خطر بالقوه ارتش این کشور را در مبارزات صهیونیستی نیز از میان می برد و امروز این کشور علیه رژیم شعارهایی که میدهد در عین وابستگی به شوروی بشدت بسوی غرب به ویژه آمریکا کشیده میشود تا آنجا که برزیلینکی مشاور امنیتی کارتر میگوید هیچ تضادی میان بغداد و واشنگتن وجود ندارد و صدام نیز در تأیید نزدیکی آمریکا و عراق اعلام میدارد که خواستار گسترش هر چه بیشتر

روابط عراق با آمریکا است .

۳- فروش تسلیحات وسیع نظامی به کشورهای منطقه :

آمریکا پس از شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران با بهره‌گیری از موقعیت خاص این جنگ و ذکر خطر ایران در آینده برای رژیمهای منطقه صدور تسلیحات نظامی خود را به کشورهای حاشیه خلیج و بدنبال آن تسلط خود را به طرز بی سابقه‌ای افزایش داده است . آمار نشان میدهد که شش کشور خلیج فارس با ۱۲ میلیون جمعیت و ۱۳۳ هزار نیروی نظامی در سال جاری ۲۰ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار صرف هزینه‌های نظامی خود کرده‌اند و حالت آنکه عربستان با اعطای ۲۷ میلیارد دلار از این مبلغ به آمریکا مقام اول را در سرسپردگی به آمریکا کسب کرده است .

۴- گسترش حضور نظامی آمریکا در منطقه : آنچه که عیان است ، این که آمریکا برای حفظ و گسترش منافع امپریالیستی خود در رقابت با امپدنت شرقی نیاز به بهره‌گیری و استفاده از نیروی نظامی دارد . با سقوط شاه ایران بزرگترین پایگاه برای حفظ منافع آمریکا به پایگاهی بر ضد منافع آمریکا تبدیل گشت عدم اطمینان به آینده



آمار نشان میدهد که شش کشور خلیج فارس با ۱۲ میلیون جمعیت و ۱۳۳ هزار نیروی نظامی در سال جاری ۳۰ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار صرف هزینه‌های نظامی خود کرده‌اند.

کشورهای مرتجع و نيات حکومت آنان آمریکا را در گذاردن زاندارم دیگری در منطقه که حافظ منافعش باشد به تلاش و کوشش سختی واداشت لذا پس از سقوط شاه آمریکا به منظور مقابله با خط شوروی و مقابله با دولت‌هایی که کشورهای مرتجع و اسرائیل را تهدید می‌کنند و سرکوبی جنبشهای انقلابی و از همه مهمتر تهدید دائمی ایران و تجاوز به ایران به عنوان حربیه نهایی جهت نابودی انقلاب اسلامی در صدد تحکیم قدرت نظامی خود در منطقه است و با کشورهای نظیر کنیا ، سومالی ، عمان و مصر قراردادهایی مبنی بر استفاده از پایگاههای هوایی و بنساز در آنها امضا نموده است و همچنین تقویت نیروهای واکنش سریع مستقر در جزیره کارسیا از دیگر فعالیت‌های آمریکا در گسترش حضور نظامی خود در منطقه است .

۵- متوقف ساختن مبارزات ضد صهیونیستی : متوقف ساختن مبارزات ضد صهیونیستی نیز از دیگر اهداف آمریکا است چرا که جهت‌گیری اصولی ایران مبنی بر آزادی بیت المقدس ضربه‌ای شدید بر بیکر آمریکا و اسرائیل وارد کرد تا آنجا که بگین از انقلاب اسلامی ایران بسه عنوان زلزله‌ای در خاورمیانه پدید آمدن کرد لذا می‌بایست جلوی این موج توفنده را گرفت و چاره این کار را نیز برپایی این جنگ میدانست اینها شاید تنها بخشی از هدفهای شناخته شده شیطان بزرگ باشد اما آنچه که مسلم است آمریکا با دست یابی به اهداف خود همچنان خط جنگ را ادامه خواهد داد .

چرا که هنوز نتوانسته است پایگاهی مطمئن‌تر از صدام برای خود بیابد و مطمئن نیست که در صورت سقوط صدام بتواند بهره‌های مناسب با اهداف خود را جایگزین کند و به همین جهت مایل است که جنگ را به یک جنگ فرسایشی و دراز مدت تبدیل کند و تنها در یک صورت ممکن است پایان جنگ را بپذیرد باشد و آنهم جلوگیری از سقوط حتمی صدام است کما اینکه همواره در موقعیتهای حساس که خطر جدی رژیم بعث

عراق و خصوصا " شخص صدام را تهدید میکرده است هیئت های صلح روانه ایران و عراق میشوند. اما چرا عراق انتخاب شد و هدفهای دولت یعنی عراق در این میان چه بود؟ رژیم بعث عراق از سالها قبل بر آن است که به قدرتی دست یابد و در راس ناسیونالیسم عرب در منطقه قرار گیرد. پس از سقوط رژیم شاه که قدرتمندترین حکومت منطقه محسوب میشد و نا دندان از جانب آمریکا مسلح شده بود زمینه رقابت های منطقه ای بین صدام و ملک خالد فراهم آمد. اما حکومت عراق با غنیمت شمردن فرصت سر بهما دست بکار شد تا حاکم بلا منازع منطقه شود و حکومت بعثی را به عنوان یک نظام جاویدان مستقر سازد و اینکه که سد بزرگی چون شاه از میان رفته است عراق می توانست با نزدیکی بیشتر به غرب اولاً بسا سرکوب نیروهای چپ و مخالف رژیم بعثی عراق از خطر احتمالی روسیه در امان مانده و ثانیا حمایت امپریالیسم آمریکاراه خود جلب کرده تا مانع دست اندازیش در خلیج فارس نشود و از این طریق بتوانند به خواسته های دیرینه خود که در حزب بعث متجلی شده دست یابند از این گذشته صدام همواره در صدد بوده است تا بسا کسب قدرت بیشتر امتیازات سیاسی در منطقه برای خویش کسب کند و بتواند در رقابت با سوریه حریف را از میدان بدر برد و صدام نیز هرگز این جاه طلبی خود را پنهان نکرده که به فراتر از منطقه و به نقشی در جهان سوم نظر دارد. صدام بهترین راه وصول به آمال و آرزوهای خویش را در حمله به ایران یافته بود چرا که : امپریالیسم آمریکا و اروپا تهدید از مواضع ضد امپریالیستی ایران که تا کنون سابقه نداشته است وحشت داشتند و حمله به ایران و نابودی انقلاب اسلامی میتواند گام موثری در جهت جلب اطمینان غرب به حکومت صدام باشد و باعث میشد اطلاعات لازم و اسلحه کافی را در اختیار وی بگذارند .

حمله به ایران پس از انقلاب با گرفتاریها و مشکلات فراوان داخلی که ناشی از هم پاشیدگی

امریکا اصولا استراتژی خود را در خاورمیانه بویژه خلیج فارس و در رابطه با جنگ تحمیلی و در ارتباط با دو کشور هماهنگ می کند این دو کشور نخست اسرائیل و سپس عربستان می باشد



یک نظام منجم و قدرتمند غربی بوده است بهترین فرصت برای قدرت نمایی و بهترین موقعیت برای برانگیختن توده های عرب در زیر پرچم بعث بود . شاید صدام در تخملات خویش می پنداشت که بعد از سه روز که توانست انقلاب را سرکوب و ایران را با حداقل خوزستان را به خاک عراق ملحق کند بر شاه های استوار مردان عرب بنشینند و دستهایش را به علامت پیروزی تکان دهد و میتواند ادعا کند که اوست که توانسته مردم عرب و محروم خوزستان را از زیر دست فارسهای نژاد پرست برهاند و با پشتوانه نفت خوزستان و تسلط بر مهمترین منطقه خلیج فارس یکسره قدرت نظامی ، اقتصادی و سیاسی را در قبضه خویش بگیرد و هم ضربه ای سخت به این عصیانگران علیه جور و ستم وارد آورد و هم خود به قدرت بیک تازی تبدیل گردد . اما زهی خیال باطل

با توجه به مجموعه اهداف صدام ، وی نمی توانست بدون اطلاعات کافی و اطمینان از قدرتهای بزرگ جهانی دست به چنین ریسک خطرناکی بزند و هم چنانکه قبلا اشاره شد حمله عراق به ایران با توافق قبلی آمریکا و عربستان

سعودی و اردن بوده است . و با اتکا به چنین پشتوانه هایی صدام به خود جرات داد تا به میهن اسلامی ما تجاوز کند .

بجایزه چه میداندست که در این رزمگه شرمناکی در کمیته نشاندند که مصمم و استوارند که تا آخرین نفس با ظالمان بجنگند و داد مظلومان را از ظالمان بستانند شاید که او هرگز داستان بازی با دم شیر را نشنیده بود .

با توجه به انگیزه های عراق و آمریکا که ذکر آن رفت بنگریم که موضع و انگیزه مسانر رابطه با این جنگ تحمیلی چه بوده است .

همانطور که ما علم امت نیز بارها اشاره کرده ایم ما نه چشم طمع به خاک کشورهای دیگر داریم و نه قصد کشور گشایی لیکن وظیفه خود میدانیم که از انقلابمان دفاع کنیم . ملت ما و دولت ما می بایست تا آنجا که در توان دارند در مقابل هر سلطه حوسبی بایستند با آن به ستیره پردازد مگر نه این است که انقلاب ما برای رهایی از زیر یوغ بندگی ابر قدرتها و ابر جنایتکاران تاریخ بوده است مگر نه اینکه مکتب ما بندگی را جز برای خدا برای هیچ قدرتی جایز نمیداند و در برابر ظالمان تنها یک راه برای زندگی شرافتمندانه را نشان میدهد و آنهم ایستادگی است مگر نه اینکه دشمن تجاوزگر در خاک میهن ما چون جعدی تنوم آشیان کرده بود و با ما بود که دشمن را از میهنمان دور کنیم و امروز مگر نه این است که دشمن در آنسوی مرزهایشان نیز هنوز دست از جنایت و کشتار خویش بر نمی دارد و مگر نه این است که تسلیم شدن به چنین دشمن فتنه گر عدول از آرمانهایمان است و او نیز همین را میخواهد مگر نه اینکه بر هر مسلمانی واجب است که از مکتبش و از وطنش دفاع کند . آنچه امروز ما می کنیم و آنچه تا کنون کرده ایم دفع بوده است و بس و دفاع از حقوق حقه مان تا وقتی که دشمن تسلیم امر حق نشود وظیفه ماست . وظیفه ماست که جنگیم با خون خویش شهادت بدهیم که ظالم کیست و مظلوم کیست .